



تحلیل برهان پایدار و ناپایدار در ترجیح آخرت بر دنیا

معصومه سالخورده^۱

عباس پسندیده^۲

چکیده

در متون دینی تأکیدی ویژه نسبت به زهد و زینت انسان به دنیا و ترغیب نمودن او به سرای اخروی وجود دارد. یکی از دلایل این امر، به وجه پایداری آخرت، جاودانه طلب بودن انسان و ناپایداری جهانی که در آن زندگی می‌کند، برمی‌گردد. بدین جهت یکی از رسالت‌های دین مشخص نمودن امور پایدار و ناپایدار، ترغیب نمودن انسان به امور پایدار و جدا نمودن از امور ناپایدار است. زندگی دنیوی از این جهت، دارای محدودیت و متناهی است. در مقابل، آخرت نامحدود، نامتناهی و جاودانه است. خداوند متعال با ارائه برهان پایدار و ناپایدار، بینش دستیابی و مصادیق حقیقی وصول به زندگی جاوید را به انسانی که از فنا و نقص گریزان است و گاهی امور ناپایدار را پایدار می‌پندارد و به آن‌ها دل بستگی پیدامی‌کند، بیان نموده و خلود در سرای اخروی را پاسخ این نیاز فطری بشر قرار داده است و توسط هادیان دین، مدل‌های رفتاری صحیح در رابطه با دنیای ناپایدار را به انسان عرضه داشته تا عملکردهای او که از تباطات‌تنگ و عمیقی با میزان و نوع شناخت او از جهان هستی دارد، به خوبی شکل گیرد. بر مبنای برهان پایدار و ناپایدار، مناسبات انسان با دنیا و آخرت تغییر می‌کند و به شکل صحیحی تنظیم می‌گردد، در نتیجه گرایش او از دنیا به آخرت تغییر خواهد نمود و میل فطری‌اش به بقا در جهت صحیح هدایت می‌شود؛ در زندگی آرامش و رضامندی خواهد داشت و مسیر دستیابی به سعادت را به درستی خواهد پیمود.

کلیدواژه‌ها: دنیا، آخرت، پایدار، ناپایدار، برهان.

* تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۵/۳۱

۱. کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)

Email: m.salkhordeh27@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

Email: pasandide@hadith.net

یکی از مفاهیمی که پیوسته در متون دینی مورد تأکید ویژه قرار گرفته و بخش عظیمی از آن را به خود اختصاص داده، ترغیب نمودن انسان به سرای اخروی و بر حذر داشتن او از تعلق و دل‌بستگی به دنیا است. در این راستا سؤالی مطرح است و آن این‌که چرا این‌همه تأکید نسبت به ترغیب نمودن انسان به سرای اخروی و گزینش آن بر دنیا وجود دارد و در مقابل، انسان را از تعلق و دل‌بستگی به دنیا، بر حذر داشته‌اند؟ چرا قرآن کریم آخرت‌گرایان را مورد تشویق قرار داده^۱ و در مقابل، کسانی را که حیات دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند، در گمراهی دور و درازی می‌داند؟^۲ این‌گوشزد مداوم نسبت به بر حذر داشتن انسان از دنیا و ترغیب نمودن به آخرت، به چه چیز برمی‌گردد؟

بدیهی است سؤال مطرح‌شده پاسخ‌های متفاوتی را به دنبال خواهد داشت که روشن شدن پاسخ، نقشی ویژه در ترجیح آخرت بر دنیا و شکل‌گیری عملکرد صحیح انسان با دنیا دارد.

در این نوشتار در پی آن هستیم تا بر اساس متون دینی، با روش کتابخانه‌ای و شیوه‌توصیفی و تحلیل محتوا، یکی از پاسخ‌های ارائه‌شده در این رابطه را مورد بررسی و تبیین علمی قرار دهیم.

در مورد پیشینه بحث لازم به ذکر است که تاکنون از جنبه خاص، مستند و به‌تفصیل، پاسخ سؤال مطرح‌شده، تبیین نگردیده است. نگارنده قصد دارد یکی از پاسخ‌ها را که به وجه پایداری آخرت و ناپایداری بودن دنیا برمی‌گردد، مورد بررسی قرار دهد. با توجه به تألیفات بسیاری که در رابطه با موضوع دنیا و آخرت صورت گرفته، به نظر می‌رسد در هیچ پژوهش علمی، وجه پایداری آخرت و ناپایداری دنیا به‌تفصیل مورد بررسی مستند و علمی قرار نگرفته است و منابع مربوطه با استناد به برخی آیات و روایات، به اشاره‌ای گذرا بسنده کرده‌اند؛ از جمله کتاب «آخرت سرای پایدار» نوشته علی خراسانی که آخرت و زندگی پس از مرگ را در بررسی تطبیقی میان ادیان و از نگاه قرآن و اسلام تشریح می‌کند، اما برخلاف عنوان کتاب، در رابطه با وجه پایداری آخرت همچون دیگر منابع، اشاره‌ای بسیار گذرا دارد. از آنجاکه در دیگر منابع نیز، به این ویژگی دنیا و آخرت به‌طور ویژه پرداخته نشده، بررسی این موضوع با توجه به اهمیت ویژه‌ای که در دستیابی انسان به سعادت دارد، ضروری است؛ زیرا جهت‌یابی افعال اختیاری انسان در گرو شناخت و درک صحیح او از زندگی این دو سرا است که این شناخت از ابعاد گوناگونی قابل بررسی است؛ از جمله

۱. ﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعَىٰهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا﴾ اسراء/۱۹.

۲. ﴿الَّذِينَ يَسْتَجِبُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ... أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾ ابراهیم/۳؛ معنای استحباب دنیا بر آخرت، اختیار دنیا و ترک کامل آخرت است. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ ق؛ ج ۱۲، ص ۱۳.



این ابعاد، همین وجه پایداری و ناپایداری این دو پدیده است که بر اساس آن در متون دینی، مدل‌های رفتاری مهمی در رابطه با عملکرد صحیح با دنیا عرضه شده، ولی تاکنون گزارشی مستند از این مدل‌های رفتاری ارائه نشده است.

برهان پایدار و ناپایدار

تعبیری که سعی در ترغیب نمودن انسان به آخرت و بر حذر داشتن او از دنیا دارند، فراوان است. بررسی این متون نشان می‌دهد که این معارف با برانگیختن برخی از گرایش‌های فطری انسان و توجه دادن او به ابعاد خاصی از دنیا و آخرت، سعی در ترغیب نمودن انسان به آخرت و رهایی دادن او از تعلقات دنیوی دارند. بدین جهت، سؤال مطرح شده پاسخ‌های متفاوتی خواهد داشت که هر کدام در بخش‌های جداگانه قابل طرح هستند.

یکی از پاسخ‌ها، به مسئله پایداری آخرت و ناپایداری دنیا مربوط می‌شود. ائمه هدی علیهم‌السلام با تأکید بر وجه پایداری آخرت و ناپایداری دنیا و برانگیختن حب بقا، مردم را نسبت به سرای اخروی ترغیب می‌نمودند و از دل‌بستگی به سرای فانی بر حذر می‌داشتند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این راستا، مردم را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دادند:

يا أَهْلَ الْخُلُودِ، يا أَهْلَ الْبَقَاءِ، إِنَّكُمْ لَمْ تُخْلَقُوا لِلْفَنَاءِ وَإِنَّمَا تُنْقَلُونَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ كَمَا نُقِلْتُمْ مِنَ الْأَصْلَابِ إِلَى الْأَرْحَامِ وَمِنَ الْأَرْحَامِ إِلَى الدُّنْيَا وَمِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْقُبُورِ وَمِنَ الْمَوْقِفِ إِلَى الْخُلُودِ فِي الْجَنَّةِ أَوْ النَّارِ؛^۱ ای اهل جاودانگی، ای اهل ماندگاری! شما برای نابودی آفریده نشده‌اید؛ بلکه از سرایی به سرایی انتقال داده می‌شوید؛ همچنان که از پشت‌ها به زهدان‌ها و از زهدان‌ها به دنیا منتقل شدید و از دنیا به گورها و از موقف قیامت به جاودانگی در بهشت یا دوزخ انتقال می‌یابید.

همچنین آنجا که توصیه به ترجیح آخرت بر دنیا دارند، به بُعد پایداری آخرت و ناپایداری دنیا استدلال می‌کنند:

وَأَلَّا تُؤْتِرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ لِأَنَّ الدُّنْيَا فَانِيَةٌ وَالْآخِرَةُ الْبَاقِيَةُ؛^۲ دنیا را بر آخرت برنگزینی؛ چرا که دنیا، رفتنی است و آخرت، ماندنی.

۱. ابن شهردار، شیرویه؛ الفردوس، قاهره: دارالریان للتراث، ۱۴۰۸ هـ، ۱۹۸۸ م؛ ج ۵، ص ۳۹۲، ح ۸۲۶۱.

۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق؛ ج ۲، ص ۱۵۵، ح ۷.





اثمه هدی ﷺ برای تغییر جهت رغبت انسان از دنیا به آخرت، به زوال‌پذیری دنیا استدلال می‌کردند؛^۱ آنجا هم که می‌خواستند مردم را به توشه برگرفتن از دنیا و آماده شدن برای سرای اخروی فراخوانند و از فریفته شدن توسط دنیا بر حذر دارند، به گذرگاه بودن و فناى دنیا استدلال می‌نمودند.^۲ همچنین بسیاری دیگر از آموزه‌های رفتاری و نحوه عملکرد نسبت به این دو سرا را، با استدلال به فناپذیری دنیا و جاودانگی آخرت به انسان‌ها عرضه می‌نمودند.

تعبیری که این‌گونه انسان را متوجه سرای پایداری می‌نماید و از دنیای زوال‌پذیر بر حذر می‌دارد، فراوان است. این‌ها بیانگر این است که یکی از دلایل ترغیب نمودن انسان به آخرت و بر حذر داشتن او از دل‌بستگی به دنیا و دنیا محوری، به ناپایداری دنیا و جاودانگی سرایی که به آن ترغیبش نموده‌اند، برمی‌گردد. پس متون دینی برای تغییر گرایش مردم از دنیا به آخرت، از بُعد پایداری و ناپایداری وارد شده و با استناد به ناپایداری دنیا و پایداری آخرت، مردم را به آخرت‌گرایی ترغیب کرده‌اند؛ بنابراین، یکی از راه‌کارهای مهم برای خروج حب دنیا از دل انسان و تغییر گرایش از دنیا به آخرت، برانگیختن حب بقا در انسان توسط مسئله پایداری آخرت و ناپایداری دنیاست که از این نوع استدلال می‌توان به‌عنوان برهان پایدار و ناپایدار یاد نمود.

نقش دین در برهان پایدار و ناپایدار

دین به‌عنوان مجموعه معنابخش زندگی، با معرفی انسان به‌عنوان موجودی جاودانه طلب، با ارائه برهان پایدار و ناپایدار نقش مستقیم و مهمی را در جهت تأمین جاودانگی او ایفا می‌کند. چگونگی شکل‌گیری عملکردهای انسان، ارتباط تنگاتنگ و عمیقی با میزان و نوع شناخت او از جهان هستی دارد؛ بدین جهت یکی از رسالت‌های دین، مشخص نمودن امور پایدار و ناپایدار و ترغیب نمودن انسان به امور پایدار و جدانمودن امور ناپایدار است که در راستای همین تعلیم، با برانگیختن حب بقا در انسان و با توجه دادن

۱. «لیکن زهدک فیما ینفد و یزول، فإِنَّهُ لَا یَبْقَى لَکَ وَ لَا تَبْقَى لَهُ»؛ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، تحقیق: مهدی رجائی، قم، دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق، ح ۷۳۸۰؛ لیثی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ (لللیثی)، تحقیق: حسین حسینی بیرجندی، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۶؛ ص ۴۰۵، ح ۶۸۵۸. امام حسن ﷺ: «فازهدوا فیما ینفنی و ارغبوا فیما ینبقی»؛ ابن بابویه، محمد بن علی؛ التوحید (للصدوق)، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق؛ ص ۳۷۸.

۲. امام علی ﷺ: «إِنَّ الدُّنْیَا لَمْ تُخْلَقْ لَکُمْ دَاوِ مَقَامٍ وَلَا مَحَلَّ قَرَارٍ وَ إِنَّمَا جُعِلَتْ لَکُمْ مَجَازاً لِتَرْوُدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ لِإِدَارِ الْقَرَارِ. فَکُونُوا مِنْهَا عَلَی أَوْفَازٍ، وَلَا تَحْدَعَنَّکُمْ مِنْهَا الْعَاجِلَةُ وَلَا تَتَغَرَّنَّکُمْ فِیْهَا الْفِتْنَةُ»؛ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ پیشین؛ ح ۳۶۹۹؛ لیثی واسطی، علی بن محمد؛ پیشین؛ ص ۱۴۸، ح ۳۲۵۱.

او به فناپذیری دنیا، به ارائه مدل‌های رفتاری صحیح در رابطه با دنیا نیز پرداخته‌اند و نوعی از روابط درست انسان با دنیا را به او آموزش داده‌اند و پیامدهای ناشی از روابط نادرست با این دو پدیده را نیز به او گوشزد نموده‌اند.

معرفی انسان به عنوان موجودی جاودانه طلب

یکی از گرایش‌های وجودی انسان، میل به خلود است. اسلام با بیان آیاتی که دلالت بر گرایش فطری انسان به جاودانگی دارد، وجود این میل را در انسان تأیید می‌کند و بر اساس آن، تعالیمی را برای تربیت او عرضه می‌دارد و درصدد تعیین مصداق حقیقی برای آن می‌آید. آیه ﴿فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبُتُّ﴾^۱ بیانگر این است که شیطان از راه میل به خلود حضرت آدم را وسوسه کرد. تعبیر ﴿يَوْمَ الْخُلُودِ﴾^۲، برای قیامت و صفت قرار دادن واژه (آبقی) برای آخرت ﴿الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۳، نعیم ﴿مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۴، ﴿رِزْقٌ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۵ و عذاب آن ﴿لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾^۶، جهت توجه دادن انسان به آخرت و نیز تعابیر ﴿خَالِدِينَ فِيهَا﴾^۷ برای انسان‌ها در آخرت، دلالت بر جاودانه طلبی انسان دارد؛ به لحاظ عقلی و منطقی نیز انسان وجود این میل را در خود می‌یابد. همه میل‌ها و رغبت‌های فطری، شاخه‌ها و فروعی از حب ذات هستند. هر موجود ذی‌شعوری، چون خودش را دوست می‌دارد، بقای خود را دوست می‌دارد و آنچه مورد نفرت انسان است، فنا و نقص وجود می‌باشد.^۸ پس طبیعی‌ترین اثری که بر حب ذات مترتب می‌شود، حب بقاست و هر انسانی بالطبع، این گزینه را دارد.^۹ در وجود او هم اندیشه عظیم جاودانگی هست و هم آرزوی آن و هم غرایزی که او را به

۱. طه/۱۲۰؛ اعراف/۲۰.

۲. ق/۳۴.

۳. اعلیٰ/۱۷.

۴. قصص/۶۰؛ شوری/۳۶.

۵. طه/۱۳۱.

۶. طه/۱۲۷.

۷. آل عمران/۱۳۶.

۸. مصباح یزدی، محمدتقی؛ آموزش فلسفه، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳؛ ج ۲، ص ۲۵۴.

۹. مصباح یزدی، محمدتقی؛ اخلاق در قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱؛ ج ۲، ص ۱۳۳.





آن سو سوق می‌دهد. همه این‌ها حکایت از نوعی استعداد و قابلیت برای جاوید ماندن دارد.^۱

معرفی دنیا و آخرت به‌عنوان دو پدیده ناپایدار و پایدار

دنیا و آخرت، دارای ویژگی‌های خاص و فراوانی هستند. خداوند متعال در قرآن کریم و در لسان هادیان دین علیه السلام، انسان را به یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های این دو پدیده، یعنی پایداری سرای اخروی^۲ و ناپایداری دنیا^۳ توجه داده است. با تعابیری متفاوت و ملموس زوال‌پذیری دنیا و جاودانگی آخرت را به تصویر کشیده و این‌گونه حقیقت و ماهیت این دو سرا را برای او روشن نموده تا گرایش‌های فطری‌اش در جهت صحیح هدایت شود و عملکردهای خود در دنیا را ناظر به زندگی جاوید تنظیم کند. در ادامه با بهره‌گیری از متون دینی، زوال‌پذیری دنیا و پایداری سرای اخروی بیان می‌گردد.

دنیا سرای «ناپایدار»

اختلاف بارز بین عالم دنیا و عالم آخرت محدودیت عمر دنیا و جاودانگی آخرت است. متون اسلامی در مواردی متعدد فنای دنیا را مورد تصریح قرار داده‌اند. تعابیر و تشبیهاتی که از دنیا ارائه گردیده، به‌خوبی ناپایداری و زوال آن را به تصویر کشیده است. «عاجلة»^۴ (زودگذر) بودن دنیا، یکی از این تعابیر است که سه بار در قرآن کریم آمده، مقابل آخرت بوده و مراد از آن دنیاست^۵ و این مفهوم به‌واسطه زودگذر بودن آن است.^۶

تعبیر دیگر در این رابطه بهره‌گیری از واژه «عَرَض» است.^۷ «عرض» چیزی بی‌ثبات و زایل است^۸ که خودی نشان می‌دهد و به‌زودی از بین می‌رود.^۹ امور ناپایدار را «عرض» می‌گویند و از این جهت که

۱. مطهری، مرتضی؛ مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، زندگی جاوید یا حیات/اخروی، تهران، انتشارات صدرا، ص ۶۱.

۲. ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ اعلیٰ/۱۷.

۳. الإمام علی علیه السلام: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ». رضی، محمد بن حسین؛ نهج‌البلاغه، تصحیح: الصبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق؛ خطبة ۱۱۴.

۴. ﴿كَأَلَّا بَلٌ تُجِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ﴾ قیامت/۲۱ - ۲۰؛ انسان/۲۷؛ اسراء/۱۸.

۵. طباطبایی، محمدحسین؛ پیشین؛ ج ۲۰، ص ۱۴۲.

۶. قرشی، علی‌اکبر؛ قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش؛ ج ۴، ص ۲۹۵.

۷. ﴿تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ﴾ انفال/۶۷؛ نساء/۹۴؛ نور/۳۳.

۸. الراغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، دمشق-بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق؛ ص ۵۶۰.

۹. طباطبایی، محمدحسین؛ پیشین؛ ج ۲، ص ۳۲۹.

سرمایه‌های مادی این جهان پایدار نمی‌مانند، تعبیر «عَرَضَ الدُّنْيَا» برای آن‌ها به کار رفته است.^۱

دنیا در حقیقت برخوردار از چندروزه‌ای اندک است که همچون سراب از میان می‌رود و به سان ابر پراکنده می‌شود؛^۲ چون ساعتی می‌گذرد^۳ و بسان خانه عنکبوت است؛^۴ زندگی‌اش کوتاه و لذت‌هایش ناپایدار؛^۵ فرجام خوشی‌هایش، همچون فرجام بهار است؛^۶ چنان بازی کودکان سرآمد معینی دارد که سرانجام فرارسیده و تمام می‌شود؛^۷ دنیا و هر آنچه در آن است،^۸ از بین خواهد رفت؛ پس منزلگاه رفتن است، نه جای ماندن.^۹

قرآن برای شناساندن حقیقت دنیا و به جهت بر حذر داشتن انسان از تعلق به آن و ترغیب نمودن او به سرای خیر و پایدار، به پدیده‌های محسوس و عینی دنیا مثل زده، می‌فرماید:

مَثَلُ زَنْدِغَى دُنْيَا مَثَلُ غِيَاہِیْ اِسْتِ کِهْ پَسْ اَزْ چِنْدْ صَبَاہِیْ خَشْکْ خَوَاہْدْ شَدْ و بَادْ، ذِرَاتِ اَنْ رَا بَهْ هَرْ سُو خَوَاہْدْ پَرَا کَنْدْ؛ بَهْ طَوْرِیْ کِهْ هِیْچْ اَثْرِیْ اَزْ اَنْ بَاقِیْ نَمَآئِدْ؛ گُوْبِیْ کِهْ اَصْلًا اَزْ اِبْتِدَا گِیَاہِیْ دَرْ کَارْ نَبُوْدَهْ اِسْتْ؛ و اِیْنْ گُوْنَهْ نَآپَایْدَا رِیْ اَنْ رَا بَهْ تَصْوِیْرِیْ مِیْ کَشْدْ.^{۱۰}

ائمه هدی علیهم‌السلام نیز با مفهوم‌سازی‌های بسیار محسوس، به زیبایی این ناپایداری و زوال را به تصویر

۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴؛ ج ۷، ص ۲۴۵.
۲. الإمام علی علیه‌السلام: «إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ أَيَّامٌ قَلِيلٌ، ثُمَّ تَزُولُ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ وَ تُفْشَعُ كَمَا يَنْفُشِعُ السَّحَابُ». لیثی واسطی، علی بن محمد؛ پیشین؛ ص ۱۷۸، ح ۳۶۷۱.
۳. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَاجْعَلْهَا طَاعَةً». ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق؛ ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۱۳۱.
۴. الإمام علی علیه‌السلام: «إِنَّمَا الدُّنْيَا فَنَاءٌ لَيْسَ لِلدُّنْيَا ثُبُوتٌ إِنَّمَا الدُّنْيَا كَيْتِبَتْ نَسَجَتَهُ الْعَنْكَبُوتُ». میبیدی، حسین بن معین الدین؛ دیوان امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ترجمه: مصطفی زمانی، قم، دار نداء الإسلام للنشر، بی‌تا؛ ص ۱۶۲، الرقم ۹۰.
۵. الإمام علی علیه‌السلام: «إِنَّ الدُّنْيَا عَيْشٌ هَا قَصِيرٌ... وَ لَذَاتُهَا فَانِيَةٌ». لیثی واسطی، علی بن محمد؛ پیشین؛ ص ۱۴۶، ح ۳۲۳۹.
۶. الإمام صادق علیه‌السلام: «إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا وَإِنْ أَمْتَعْتَ بِبَهْجَتِهَا وَ عَرَّتْ بِزَبْرَجِهَا، فَإِنَّ آخِزَهَا لَا يَعْدُو أَنْ يَكُونَ كَأَخْرِ الرِّبْعِ الَّذِي يَرُوقُ بِخُضْرَتِهِ ثُمَّ يَهْبِجُ عِنْدَ انْتِهَاءِ مَدَّتِهِ». مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ پیشین؛ ج ۹۱، ص ۲۷۲.
۷. «مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُّسَمًّى» روم/۸.
۸. الإمام حسن علیه‌السلام: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ بَلَاءٍ وَ فِتْنَةٍ وَ كُلُّ مَا فِيهَا إِلَى زَوَالٍ». ابن بابویه، محمد بن علی؛ پیشین؛ ص ۳۷۸، ح ۲۴.
۹. الإمام علی علیه‌السلام: «تَحَرَّزْ مِنَ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ فَنَاءَهَا مَحَلٌّ فَنَاءٍ، لَا مَحَلٌّ بَقَاءٍ». میبیدی، حسین بن معین الدین؛ پیشین؛ ص ۳۸، الرقم ۱۰.
۱۰. «وَ أَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا إِزْلَانُهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا» كهف/۴۵؛ یونس/۲۴.





کشیده‌اند. در بسیاری از بیانات ایشان، دنیا سایه‌ای ناپایدار^۱ است که تا زمانی محدود، پهن شده است.^۲ تشبیه دنیا به گذرگاه^۳، سرای کوچیدن^۴، رفتن^۵ و پلی که باید از آن گذر کرد،^۶ به خوبی بیانگر موقت بودن زندگی دنیوی است و دلیلی است بر ناپایداری و زوال آن و این که اینجا محل ماندن و اقامت گزیدن نیست؛ بلکه محل عبور است به سرایی دیگر.^۷ تشبیه اهل دنیا به مسافر^۸ و میهمان^۹، خود گویای موقتی بودن و فناپذیری دنیاست. همه تغییرات و تحولات دنیا، بیانگر زوال‌پذیری آن است؛ لذا انسان نباید دل به چنین سرایی بسپارد. بر این اساس ائمه هدی علیهم‌السلام پیوسته مردم را به زهد و رزیدن نسبت به دنیای زوال‌پذیر، دعوت نموده و به سرای پایداری ترغیب نموده‌اند تا آن‌ها را از غفلت‌زدگی و دل‌بستگی به دنیا برهانند.

آخرت سرای «پایدار»

همان‌گونه که گذشت، محدودیت دنیا و نامحدود بودن آخرت یکی از تفاوت‌های اساسی بین این دو سرا است. هر آنچه محدودیتش شدیدتر و دارای حدود بیشتری باشد، در نتیجه بقا و ثبات در آن ضعیف‌تر و سرعتش برای فنا، نفاذ و زوال بیشتر است؛ و هر چیزی حد در آن کمتر باشد، قوت، شدت و دوام در آن بیشتر است.

عالم آخرت، مقابل عالم دنیاست؛ لطافت و رقت در آن بیشتر از حدود هست؛ لذا نسبت به دنیا اقوی

۱. الإمام علی علیه‌السلام: «الدُّنْيَا ظِلٌّ زَائِلٌ». ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، جهان، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۱۷۷، ح ۷.
۲. الإمام علی علیه‌السلام: «فَإِنَّمَا هُوَ ظِلٌّ مَمْدُودٌ إِلَى أَجَلٍ مَعْدُودٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۸۹؛ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳، ص ۲۱۲.
۳. الإمام علی علیه‌السلام: «الدُّنْيَا دَائِرٌ مَمَرٌ، لَا دَائِرَ مَقَرٍّ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ حکمت ۱۳۳.
۴. الإمام علی علیه‌السلام: «أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا مَنَزَلٌ فُلَعَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارِ نَجْعَةٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۱۳.
۵. الإمام علی علیه‌السلام: «وَأُحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا دَائِرٌ شَخُوصٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۹۶.
۶. الإمام علی علیه‌السلام: «وَأِنَّمَا هِيَ قَنْطَرَةٌ؛ فَاعْبُرُوا عَلَيْهَا وَ اتَّنظَرُوا». دلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب (للدلمی)، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۹.
۷. الإمام علی علیه‌السلام: «الدُّنْيَا مَعْبَرَةٌ الْآخِرَةُ». لیثی واسطی، علی بن محمد؛ پیشین؛ ص ۱۹، ح ۶۴.
۸. الإمام علی علیه‌السلام: «أَهْلُ الدُّنْيَا كَرَكِبٍ يَسَارُ بِهِمْ وَ هُمْ نِيَامٌ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ حکمت ۶۴ و ۴۱۵.
۹. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «إِنَّ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا ضَيْفٌ وَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ عَارِبَةٌ وَ إِنَّ الضَّيْفَ رَاحِلٌ وَ إِنَّ الْعَارِبَةَ مَرْدُودَةٌ». ابن شهردار، شیرویه؛ پیشین؛ ج ۴، ص ۶۳، ح ۶۱۹۷؛ رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۲۹.



و باقی‌تر است.^۱ هر آنچه متعلق به این عالم است، از پاداش^۲ و عذاب^۳ نیز جاودانه است و برخورداری از لذت‌های آن نیز محدودیتی ندارد و بهشتیان هرچه بخواهند،^۴ تا ابد برایشان فراهم است. پس زندگی دنیا دارای محدودیت و فناپذیر است؛ اما زندگی آخرت و بهره‌های آن نامتناهی، بدون محدودیت و جاودانه است.

جاودانگی سرای اخروی، حقیقتی است که در متون اسلامی مورد تصریح قرار گرفته است. قریب ۸۰ آیه قرآن، دلالت بر ابدیت و جاودانگی جهان آخرت دارد. بدیهی است که متناهی هر قدر هم طولانی باشد، نسبتی با دنیای نامتناهی نخواهد داشت.^۵ لذا نمی‌توان تبیینی دقیق از ابدیت آخرت ارائه داد؛ اما می‌توان با استفاده از بیانات خالق هستی و بهره‌گیری از تعالیم مفسرین حقیقی کلامش، با ذکر تعابیری که گویای پایداری آخرت است، این وجه را تبیین نمود.

قرآن کریم در یکی از استدلال‌های خود، پایداری سرای اخروی و نعیم آن را به‌طور ویژه، مورد تصریح قرار داده است. در یکی از آیات مربوط به این استدلال، واژه «أَبْقَى» در هم‌نشینی با واژه «خَيْر»، صفت برای آخرت بیان شده است:

﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۶

درحالی که آخرت بهتر و پایدارتر است.

«بقا» مقابل مفهوم «فنا»^۷، به معنای ادامه یافتن، ثابت و پابرجا ماندن است^۸ و دلالت بر دوام و خلود دارد. اگر این مفهوم به‌تنهایی لحاظ شود، از آن با کلمه «بقیه و باقی» تعبیر می‌شود^۹ و اگر نسبت به غیر

۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۱۹.

۲. ﴿وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ شوری ۳۶؛ قصص ۶۰.

۳. ﴿وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾ طه ۱۲۷.

۴. ﴿وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ﴾ فصلت ۳۱.

۵. مصباح یزدی، محمدتقی، *آموزش عقاید*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵، ص ۴۲۳.

۶. اعلیٰ/۱۷.

۷. الفراهیدی، خلیل بن احمد؛ پیشین؛ ج ۵، ص ۲۳۰؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۴، ص ۷۹.

۸. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۲۷۶؛ طریحی، فخرالدین؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۵۷؛ الراغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۱۳۸.

۹. ﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ هود/۸۶؛ ﴿وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا﴾ كهف/۴۶.



لحاظ شود، با کلمه «أَبْقَى»^۱ بیان می‌گردد.^۲ واژه «أَبْقَى» از ریشه (ب ق ی) به معنای پایداری، ماندنی‌تر، بادوام‌تر، دیرپاتر^۳، هشت مرتبه در قرآن کریم به‌کاررفته^۴ که از این تعداد پنج مرتبه در هم‌نشینی با واژه خیر و مربوط به حوزه‌های تقابل دنیا و آخرت است و در این آیات، مفهوم تفضیلی ندارد و از آن جهت که نسبت به غیر لحاظ شده، با تعبیر «أَبْقَى» آمده است؛ زیرا هیچ مناسبتی به لحاظ زمانی بین دنیا و مظاهر آن و سرای پایداری و نعیم جاودانه آن وجود ندارد.

خداوند در این آیه و آیات دیگر به تبیین این حقیقت می‌پردازد که آخرت نسبت به دنیا از نظر کیفیت و کمیت برتر است؛ از نظر کیفیت «خیر» است و از نظر کمیت نیز از «بقا و ماندگاری» برخوردار می‌باشد. «دار المَقَامَةِ» تعبیر دیگری است که گویای ابدیت آخرت است:

﴿الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نُصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ﴾؛^۵ همان‌که ما را به فضل خویش در سرای ابدی جای داد. در اینجا رنجی به ما نمی‌رسد و در اینجا در ماندگی به ما دست نمی‌دهد.

مُقام یعنی موضع اقامت^۶ و کلمه «مَقَامَةِ» به معنای اقامه است. «دار المَقَامَةِ» منزلی است که کسی از آن بیرون نمی‌رود و از آنجا به‌جای دیگر کوچ نمی‌کند.^۷ به خلاف دنیا که سرای کوچیدن و فناست و باید از آن به «دَارُ الْمَقَامَةِ» که منزل جاویدان است، سفر کرد.

توصیف آخرت به «دَارُ الْقَرَارِ»، نیز می‌تواند دلالت بر جاودانگی آن داشته باشد:

﴿يَا قَوْمِ إِنَّمَا هِذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾؛^۸ ای قوم من، این زندگی دنیا

۱. مانند: ﴿وَاللَّهُ خَبِيرٌ وَأَبْقَى﴾ طه/۷۳. این سخن ساحران در پاسخ به سخن فرعون است که در مقام تهدید گفت: ﴿وَتَلْعَمَنَّ أَيْنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى﴾ طه/۷۱.
۲. مصطفوی، حسن؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۳۱۹.
۳. آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران، ۱۳۸۴ ش؛ ص ۴۵.
۴. ﴿وَاللَّهُ خَبِيرٌ وَأَبْقَى﴾ طه/۷۳؛ ﴿رِزْقٌ رَبِّكَ خَبِيرٌ وَأَبْقَى﴾ طه/۱۳۱؛ ﴿وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَبِيرٌ وَأَبْقَى﴾ قصص/۶۰ و شوری/۳۶؛ ﴿وَالْآخِرَةُ خَبِيرٌ وَأَبْقَى﴾ اعلیٰ/۱۷؛ ﴿وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾ طه/۱۲۷؛ ﴿وَتَلْعَمَنَّ أَيْنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى﴾ طه/۷۱؛ ﴿وَتَمُودٌ فَمَا أَبْقَى﴾ نجم/۵۱.
۵. فاطر/۳۵.
۶. طریحی، فخرالدین؛ پیشین؛ ج ۶، ص ۱۴۲.
۷. طباطبایی، محمدحسین؛ پیشین؛ ج ۱۷، ص ۴۷.
۸. غافر/۳۹.

تنها کالایی [ناچیز] است و در حقیقت، آن آخرت است که سرای پایدار است.

اصل «قرار» از «قَرَّ» به معنی سرماست و سرما، مقتضی سکون است؛ چنان که حرارت، مقتضی حرکت است؛^۱ و در فارسی به معنای زمین استوار و هموار، جایی که در آن مسکن گزینند، است. به همین دلیل اهل شهر را که در خانه‌های خود زندگی می‌کنند، برخلاف ایل‌ها و چادرنشینان که همواره از جایی به جایی منتقل می‌شوند «اهْلُ الْقَرَارِ» گویند.^۲ پس «قرار» به معنی «ثبات» و «محل استقرار» است و آخرت خانه «ثبات» و «استقرار» و جای ماندن تا ابد می‌باشد، نه جای کوچیدن و رفتن.

رمز این که آخرت «دارالقرار»^۳ است، آن است که انسان در دنیا چون به مقصد نرسیده و در بین راه است، آرامش ندارد، ولی وقتی به بهشت رسید می‌آرامد؛ چون حرکت، به مقصد و متحرک به هدف رسیده است. البته ثابت می‌شود، نه ساکن؛ زیرا سکون، هدف حرکت نیست؛ بلکه به «دائر الثبات» می‌رسد و ثبات، هدف حرکت است.^۴

از دیگر تعبیری که گویای جاودانگی سرای اخروی است، توصیف آن به «دائرُ الْخُلْدِ» است:

﴿ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ هُمْ فِيهَا دَائِرُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾^۵ این است کیفر دشمنان خداوند؛ آتش (دوزخ) که در آن، سرایی جاودانه خواهند داشت؛ به کیفر آن که آیات ما را انکار می‌کردند.

خلود از (خ ل د) به معنای اقامت گزیدن^۶ و بقاست^۷، بقا در خانه‌ای که از آن خارج نمی‌شوند.^۸ راغب آن را به معنای: دوری جستن شیء از عارضه‌های فساد و بقای آن به همان حالتی که هست، می‌داند و می‌نویسد:

عرب همه آنچه را که دچار تغییر و فساد نگردند، به خلود توصیف می‌کند. خلود

۱. الراغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ پیشین؛ ص ۶۶۲؛ طریحی، فخرالدین؛ پیشین؛ ج ۳، ص ۴۵۶.

۲. مهیار، رضا؛ فرهنگ/بجیدی عربی-فارسی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا؛ ص ۶۸۸.

۳. الإمام علیؑ: «الدُّنْيَا دَائِرُ مَجَازٍ وَ الْآخِرَةُ دَائِرُ قَرَارٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبة ۲۰۳.

۴. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم: سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۶؛ ج ۹، ص ۲۶۶.

۵. فصلت/۲۸.

۶. طریحی، فخرالدین؛ پیشین؛ ج ۳، ص ۴۴.

۷. الفراهیدی، خلیل بن احمد؛ پیشین؛ ج ۴، ص ۲۳۱.

۸. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ پیشین؛ ج ۳، ص ۱۶۴.





در بهشت، یعنی بقای اشیاء به همان حالتی که هستند، بی آنکه دچار فساد و دگرگونی شوند.^۱

بدین جهت قرآن کریم در وصف بهشتی که به متقین وعده داده، می‌فرماید:

﴿قُلْ أَذَلِكْ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءٌ وَ مَصِيرًا هُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولا﴾^۲؛ بگو: «آیا این [عقوبت] بهتر است یا بهشت جاویدان که به پرهیز گاران وعده داده شده است که پاداش و سرانجام آنان است؟» جاودانه هر چه بخواهند، در آنجا دارند. پروردگار تو مسئول این وعده است.

قرآن کریم در بسیاری از آیات با تعبیر ﴿خَالِدِينَ فِيهَا﴾^۳ و ﴿خَالِدِينَ فِيهَا أَبدا﴾^۴ نیز به بیان جاودانگی آخرت و نعیم و عذاب آن پرداخته است. نعیم بهشتی را با تعبیری به تصویر کشیده که گویای جاودانگی و خلود آن است.^۵

نعیم و خوراک بهشت، دائمی است^۶ و بهره‌مندی بهشتیان از این نعیم، تمام وقت است^۷ و این رزق را پایانی نیست:

﴿إِنَّ هَذَا لِرِزْقِنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ﴾^۸

کلمه «نفاد» به معنای فنا، است^۹ و فنا، ویژگی دنیا و متعلقاتش می‌باشد، نه آخرت. ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ﴾^{۱۰} آنچه پیش شماست، تمام می‌شود و آنچه پیش خداست، پایدار است.

۱. الراغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ پیشین؛ ص ۲۹۱.

۲. فرقان/ ۱۶- ۱۵.

۳. آل عمران/ ۱۳۶ و ۸۸ و ۱۵؛ نساء/ ۱۳؛ مائده/ ۸۵؛ و ...

۴. نساء/ ۱۶۹ و ۱۲۲ و ۵۷؛ مائده/ ۱۱۹؛ توبه/ ۱۰۰ و ۲۲؛ احزاب/ ۶۵؛ تغابن/ ۹؛ طلاق/ ۱۲؛ بینه/ ۸.

۵. ﴿وَفَاكِهِةٍ كَثِيرَةٍ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ﴾ واقعه/ ۳۳.

۶. ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكْلُهَا دَائِمٌ وَ ظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا﴾ رعد/ ۳۵.

۷. ﴿وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًا﴾ مریم/ ۶۲.

۸. ص/ ۴.

۹. ابن منظور، محمد بن مكرم؛ پیشین؛ ج ۳، ص ۴۲۴؛ الفراهیدی، خلیل بن احمد؛ پیشین؛ ج ۸، ص ۵۰.

۱۰. نحل/ ۹۶.



علاوه بر نعیم اخروی، ساکنان آخرت نیز، چه بهشتیان^۱ و چه جهنمیان^۲، همگی در آن جاودانه‌اند و برخلاف دنیا که در آن توالد، تناسل، جوانی، پیری و سپس مرگ وجود دارد، آخرت مشتمل بر این مراحل نیست^۳ و فرسودگی و پیری و فنا و تغییر و تبدیل‌هایی هم که گرایش به فساد و زوال دارد، در آنجا دیده نخواهد شد.^۴ بنابراین کسی طعم مرگ را نمی‌چشد؛^۵ یعنی آن خانه مدتی ندارد که به سر آید.^۶ البته جاودانگی آخرت و امثال آن، عَرَضی و وابسته به جاودانگی ذاتی و مستقل خدای سبحان است:^۷

﴿وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۸

این‌گونه خداوند مصداق جاودانگی را به انسان که به خطا در دنیا در پی بقاست، می‌نمایاند. با این اوصاف، انسان جاودانه طلب باید دل به کدامین سرا بسپارد؟ برای آبادی کدامیک بکوشد؟ مسافرخانه یا خانه جاوید؟ پایدار یا ناپایدار؟! خداوند حکیم، بشر را راهنمایی نموده و مسیر صحیح را به او نشان داده و می‌فرماید:

﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۹

در این میان، به فرموده امام موسی بن جعفر علیه السلام، انسان عاقل به سرای پایدار روی می‌آورد:

إِنَّ الْعَاقِلَ نَظَرَ إِلَى الدُّنْيَا وَإِلَى أَهْلِهَا، فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تَنَالُ إِلَّا بِالمَشَقَّةِ وَنَظَرَ إِلَى الآخِرَةِ، فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تَنَالُ إِلَّا بِالمَشَقَّةِ، فَطَلَبَ بِالمَشَقَّةِ أَبْقَاهُمَا؛^{۱۰} عاقل به دنیا و دنیاپرستان نگرست و دانست که دنیا جز با رنج و سختی به دست نمی‌آید؛ و به آخرت نیز نگرست و دانست که آن هم جز با رنج و سختی به دست نمی‌آید، پس با رنج و سختی همان را طلبید که پایدارتر است.

۱. ﴿ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ﴾ ق/۳۴.

۲. ﴿وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا﴾ جن/۲۳.

۳. مطهری، مرتضی؛ زندگی جاوید یا حیات اخروی؛ ص ۴۳؛ بازرگان، مهدی؛ مباحث بنیادین، مبحث زوال و لغو اصل کهنولت (آتروبی)، تهران، قلم، ۱۳۸۸؛ صص ۵۱۱-۵۰۴.

۴. بازرگان، مهدی؛ پیشین؛ ص ۵۱۱.

۵. ﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ﴾ دخان/۵۶.

۶. الإمام علی علیه السلام: «لَا مَدَّةَ لِالدَّارِ فَتُنَى وَلَا أَجَلَ لِلْقَوْمِ فَيَقْضَى». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۰۹.

۷. جوادی آملی، عبدالله؛ توحید در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳؛ ص ۳۸۹.

۸. طه/۷۳.

۹. اعلیٰ/۱۷.

۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۳۷.



تبیین چگونگی مواجهه با سرای پایدار و ناپایدار

دین با معرفی انسان به‌عنوان موجودی جاودانه‌طلب، پس از مشخص نمودن حقیقت دنیایی که در آن زندگی می‌کند، به‌عنوان سرایی ناپایدار؛ و بیان حقیقت پایداری سرایی که به‌عنوان جایگاه ابدی، بدان انتقال خواهد یافت، بینش صحیح و نحوه عملکرد درست نسبت به این دو سرا را نیز به انسان عرضه می‌دارد تا جهت‌یابی این میل فطری او نیز به‌درستی شکل گیرد.

بر مبنای برهان پایدار و ناپایدار، مناسبات انسان با دنیا و آخرت تغییر می‌کند. اگر انسان این برهان را بپذیرد، مناسبات خود با دنیا و آخرت را باید دوباره تعریف و تنظیم نماید. بر اساس آنچه از متون اسلامی به دست می‌آید، مدل تنظیم مناسبات انسان با دنیا و آخرت بدین شکل خواهد بود:

فرصت دنیای ناپایدار را غنیمت شمرده و آن را یک فرصت زودگذر دانسته؛ و لذا به طاعت خداوند سبحان بگذرانند؛^۱ بر این طاعت صبوری ورزد^۲ و چیزی را شریک خداوند سبحان قرار ندهد.^۳ با توجه به ناپایداری دنیا فریفته آن نشود^۴ و دل بدان نسپارد^۵ و آن را مقصد و مقصود اصلی خویش قرار ندهد.

با جهت دادن رغبت خود به سرای پایداری، نسبت به دنیا زاهد باشد.^۶ از لذت‌های ناپایداری

۱. رسول الله ﷺ: «الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَاجْعَلْهَا طَاعَةً». ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۱۳۱؛ منسوب به امام صادق جعفر بن محمد ؑ؛ مصباح الشریعة، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ ق؛ ص ۳۳.

۲. الإمام الصادق ؑ: «إصبروا على طاعة الله - وتصبّروا عن معصية الله، فَإِنَّمَا الدُّنْيَا سَاعَةٌ». کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق؛ ج ۲، ص ۴۵۹، ح ۲۱ و ص ۴۵۴، ح ۴.

۳. «یا عیسی، لا تشرب بی شیئا و کن منی علی حذر و لا تغتر بالنصیحة و لا تغبط نفسک؛ فإنّ الدنیا کفیء زائل و ما أقبل منها کما أدبر». کلینی، محمد بن یعقوب؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۳۳۹.

۴. الإمام علی ؑ: «لا یغرّکم ما أصبح فیهِ أهلُ الغرور، فَإِنَّمَا هُوَ ظِلٌّ مَمْدُودٌ إِلَى أَجْلِ مَعْدُودٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۸۹؛ ﴿فَلَا تَغْرَبَنَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغْرَبَنَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾ لقمان/۳۳؛ فاطر/۵. الإمام علی ؑ: «أُحَذِّرُكُمْ

الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا مَنْزِلٌ قُلْعَةٌ وَ لَبِستِ بدارِ نُجَعَةٍ؛ قَدْ تَرَبَّنتِ بَعْرُورِهَا وَ عَرَّتْ بِزِينَتِهَا». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۱۳.

۵. الإمام زین العابدین ؑ: «لا تتركوا إلى ما فی هذه الدنیا زکونَ من اتَّخَذَها دارَ قَرارٍ و مَنْزِلَ استيطانٍ، وَاللَّهِ إِنْ لَكُمْ مِمَّا فیها عَلَیْها لَدَلِیلاً وَ تَبِیْها؛ مِنْ تَصْرِیفِ آیامِها وَ تَغْییرِ انْقِلابِها وَ مَثَلاتِها وَ تالاعِیْها بِأهلِها». کلینی، محمد بن یعقوب؛

پیشین؛ ج ۸، ص ۱۵، ح ۲؛ الإمام الصادق ؑ: «كَانَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ ؑ، يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: «يا بني آدم اهْرَبُوا مِنَ الدُّنْيَا إِلَى اللَّهِ، وَأَخْرَجُوا قُلُوبَكُمْ عَنْهَا؛ فَإِنَّكُمْ لَا تَصْلَحُونَ لَهَا وَلَا تَصْلُحُونَ لَكُمْ، وَلَا تَبْقُونَ فِيهَا وَلَا تَبْقَى لَكُمْ». مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ پیشین؛ ج ۱۴، ص ۲۸۸، ح ۱۳.

۶. الإمام علی ؑ: «إِنْ كُنْتُمْ فِي التَّبَاقِ رَاغِبِينَ، فَازْهَدُوا فِي عَالَمِ الْفَنَاءِ». ابن بابویه، محمد بن علی؛ پیشین؛ ص ۱۶۳، ح ۳۴۷۳. الإمام علی ؑ: «لِيَكُنْ زُهْدُكُمْ فِيمَا يَنْفَدُ وَ يَزُولُ، فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى لَكُمْ وَلَا تَبْقَى لَهُ». ابن بابویه، محمد بن علی؛

پیشین؛ ص ۴۰۵، ح ۶۸۵۸؛ خداوند متعال خطاب به حضرت عیسی ؑ: «یا عیسی! اِزْهَدْ فِي الْفَانِي الْمُنْقَطِعِ»؛ کلینی،

کناره‌گیری کند و تقوا را پیشه خویش سازد.^۱ با دیده‌ای عبرت‌بین، به دنیا بنگرد.^۲ به ناز و نعمت مرفهان، چشم ندوزد.^۳ زیور و نعیم دنیوی، او را به شگفتی وادار نکند و از آن سرخوش نشود.^۴ قناعت ورزی را سرلوحه خویش قرار دهد^۵ و به آنچه خدا روزی می‌دهد، بسنده کند. از دنیا و خوشی‌هایش بر حذر باشد، دغدغه‌های آن را از خود دور کند^۶ و بر سختی و مشقت آن بی‌تابی نکند.^۷

برای کسب عزت و افتخار دنیوی به رقابت نپردازد؛^۸ بلکه برای آبادسازی سرای اخروی بشتابد.^۹ همواره



محمد بن یعقوب؛ پیشین؛ ج ۸، ص ۱۳۴، ح ۱۰۳؛ امام حسن علیه السلام «فازهدوا فیما یفنی و ارغبوا فیما بیقی» ابن بابویه، محمد بن علی؛ پیشین؛ ص ۳۷۸.

۱. الإمام علی علیه السلام: «أوصیکم عبادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَأَحْذَرُکُمْ الدُّنْیَا؛ فَإِنَّهَا دَاوْرٌ شُخُوصٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۹۶.

۲. الإمام علی علیه السلام: «إِعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْیَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا؛ فَإِنَّ بَعْضَهَا یُشْبِهُ بَعْضًا، وَأَخْرَجَهَا لِأَحِقِّ بِأَوْلِیَّهَا، وَكُلُّهَا حَائِلٌ مُفَارِقٌ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ نامه ۶۹.

۳. امام علی علیه السلام: «إِنَّ الدُّنْیَا دَاوْرٌ رَضِيَ اللَّهُ لِأَهْلِهَا الْفَنَاءَ، وَقَدَّرَ عَلَيْهِمْ بِهَا الْجَلَاءَ، فَكُلُّ مَا فِيهَا نَافِدٌ، وَكُلُّ مَنْ يَسْلُكُهَا بِإِدْبَاطٍ... وَلَا تَمُدُّوا أَعْيُنَكُمْ فِيهَا إِلَى مَا مَتَّعَ بِهِ الْمُتَرَفُونَ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۴۵.

۴. الإمام علی علیه السلام: «وَلَا تَجَزَّعُوا مِنْ ضَرَائِبِهَا وَوُؤْسِهَا؛ ... وَإِنَّ ضَرَّهَا وَوُؤْسَهَا إِلَى نَفَادٍ، وَكُلُّ مُدَّةٍ مِنْهَا إِلَى مُنْتَهَى، وَكُلَّ حَى مِنْهَا إِلَى فَنَاءٍ وَبِلَاءٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۹۹.

۵. الإمام علی علیه السلام: «إِنَّمَا الدُّنْیَا فَنَاءٌ لَيْسَ لِلدُّنْیَا ثُبُوتٌ إِنَّمَا الدُّنْیَا كَبَيْتٌ نَسَجْتَهُ الْعَنْكَبُوتُ وَقَدَّرَ كَيْفِيكَ مِنْهَا أَيُّهَا الطَّالِبُ قُوَّةٌ وَتَمَرِي عَن قَلِيلٍ كُلِّ مَنْ فِيهَا يَمُوتُ». ميبدي، حسین بن معین الدین؛ پیشین؛ ص ۱۶۲، الرقم ۹۰. الإمام علی علیه السلام: «إِنَّ الدُّنْیَا دَاوْرٌ رَضِيَ اللَّهُ لِأَهْلِهَا الْفَنَاءَ، وَقَدَّرَ عَلَيْهِمْ بِهَا الْجَلَاءَ، فَكُلُّ مَا فِيهَا نَافِدٌ، وَكُلُّ مَنْ يَسْلُكُهَا بِإِدْبَاطٍ... وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا سِوَى الْبُلْغَةِ، ... وَأَضْرَبُوا فِيهَا بِأَنْفُسِكُمْ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَحْفُّ لِلْحِسَابِ، وَأَقْرَبُ مِنَ النَّجَاةِ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۴۵.

۶. الإمام علی علیه السلام: «وَضَعْ عَنكَ هُمُومَهَا لِمَا أَيْقَنْتَ بِهِ مِنْ فِرَاقِهَا وَتَصَرُّفِ حَالَاتِهَا». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۹۹.

۷. الإمام علی علیه السلام: «وَلَا تَجَبَّوْا بِزِينَتِهَا وَنَعِيمِهَا ... وَإِنَّ زِينَتَهَا وَنَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ ... وَكُلُّ مُدَّةٍ مِنْهَا إِلَى مُنْتَهَى، وَكُلَّ حَى مِنْهَا إِلَى فَنَاءٍ وَبِلَاءٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۹۹.

۸. الإمام علی علیه السلام: «لَا تَتَنَافَسُوا فِي عَزِّ الدُّنْیَا وَفَخْرِهَا، ... فَإِنَّ عَزَّ الدُّنْیَا وَفَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ... وَكُلُّ مُدَّةٍ مِنْهَا إِلَى مُنْتَهَى، وَكُلَّ حَى مِنْهَا إِلَى فَنَاءٍ وَبِلَاءٍ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۹۹.

۹. الإمام علی علیه السلام: «وَإِنَّكُمْ إِلَى عِمَارَةِ دَارِ الْبَقَاءِ أَحْوَجُ مِنْكُمْ إِلَى عِمَارَةِ دَارِ الْفَنَاءِ». لیثی واسطی، علی بن محمد؛ پیشین؛ ص ۱۷۳، ح ۳۶۱۱.



در پی توشه برگرفتن^۱ و عمل کردن برای آخرت باشد و بهره خود از دنیا را هم فراموش نکند.^۲ در این دنیا خود را مسافر بداند^۳ و پیوسته آماده سرای باقی باشد. خویشتن را خوشبخت نپندارد^۴ و از بدفرجامی خویش بترسد.^۵ آنجا هم که این دو سرا در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند و قرار به بیع است، دنیا را به آخرت بفروشد^۶ و آخرت را بر دنیا ترجیح دهد، نه بر عکس.^۷

این مدل‌های رفتاری در حقیقت همگی بیانگر هدف قرار ندادن دنیای ناپایدار، عدم دل‌بستگی و زهد ورزیدن نسبت به آن و توجه نمودن و ترغیب داشتن به سرای پایدار است.

وجه استفاده از برهان پایدار و ناپایدار

از مباحث مهم، دلیل استفاده از برهان پایدار و ناپایدار می‌باشد. سؤال این است که چرا از این برهان استفاده شده است؟ پاسخ برمی‌گردد به همان میل به خلود و جاودانگی که یکی از گرایش‌های فطری انسان است. اسلام نیز با تأیید این میل در وجود انسان، بر اساس آن، تعالیمی را برای تربیت او عرضه می‌دارد. این گرایش لازمه جبری و تکوینی وجود انسان است. آنچه در ارتباط با این میل در اختیار او قرار دارد، جهت دادن به آن، تعیین مصداق برای آن و طرز رفتاری است که انسان تحت تأثیر آن انتخاب

۱. الإمام علی علیه السلام: «أَيُّهَا النَّاسُ! أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ فَنَاءٍ وَالْآخِرَةُ دَارٌ بَقَاءٍ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَمَرِكُمْ». ابن بابویه، محمد بن علی؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۵۶.

۲. الإمام علی علیه السلام: «الدُّنْيَا دَارٌ بَلَاءٍ، وَالْآخِرَةُ دَارٌ الْجَزَاءِ وَدَارُ الْبَقَاءِ؛ فَاعْمَلْ لِمَا بَقِيَ، وَاعْدِلْ عَمَّا بَقِيَ، وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا». طوسی، محمد بن الحسن؛ پیشین؛ ص ۳۰، ح ۳۱؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ پیشین؛ ج ۷۷، ص ۳۹۰، ح ۱۱.

۳. الإمام علی علیه السلام: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ رَضِيَ اللَّهُ لِأَهْلِهَا الْفَنَاءَ... فَارْتَحِلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ مِنْهَا بِأَحْسَنِ مَا بَخَصَرْتَكُمْ مِنَ الزَّادِ، وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا سِوَى الْبُلْغَةِ، وَكُونُوا فِيهَا كَسَفَرٍ نَزَلُوا مِنْزِلًا فَتَمَتَّعُوا مِنْهُ بِأَدْنَى ظِلِّ ثُمَّ ارْتَحِلُوا لِشَأْنِهِمْ». رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۴۵.

۴. «يا عيسى، لا تشرك بي شيئا وكن مني على حذر ولا تغتر بالنصيحة ولا تغبط نفسك؛ فإن الدنيا كفىء زائل وما أقبل منها كما أدبر». كليني، محمد بن يعقوب؛ پیشین؛ ج ۱۵، ح ۳۳۹.

۵. الإمام الصادق علیه السلام: «إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا وَإِنْ أَمْنَعْتَ بِنَهَجَتِهَا وَعَزَّتْ بِرَبْرِجِهَا، فَإِنَّ آخِرَهَا لَا يَعْدُو أَنْ يَكُونَ كَأَخْرِ الرَّبِيعِ الَّذِي يَرُوقُ بِخَضْرَتِهِ ثُمَّ يَهْبِجُ عِنْدَ انْتِهَاءِ مُدَّتِهِ، وَعَلَى مَنْ نَصَحَ لِنَفْسِهِ وَعَرَفَ حَقَّ مَا عَلَيْهِ وَلَهُ، أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا نَظْرَ مَنْ عَقَلَ عَنْ رَبِّهِ جَلَّ وَعَلَا، وَحَدَرَ سَوْءَ مُنْقَلَبِهِ». مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ پیشین؛ ج ۹۴، ص ۲۷۲، ح ۱.

۶. الإمام علی علیه السلام: «لَا تَتَّبِعُوا الْآخِرَةَ بِالدُّنْيَا، وَلَا تَسْتَبْدِلُوا الْفَنَاءَ بِالْبَقَاءِ». لیثی واسطی، علی بن محمد؛ پیشین؛ ص ۵۲۴، ح ۹۵۴۵.

۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: «وَأَلَّا تُؤْتِرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ لِأَنَّ الدُّنْيَا فَانِيَةٌ وَالْآخِرَةُ الْبَاقِيَةُ». ابن بابویه، محمد بن علی؛ الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲؛ ص ۵۴۴، ح ۱۹.

می‌کند.^۱ عملکرد افراد در سایه این گرایش به تناسب بینش، معرفت و اختلاف عقاید، نمودهای متفاوتی پیدا می‌کند. لذا جهت‌دهی صحیح به این میل از ضروری‌ترین مسائل است و علم و معرفت در تعیین مصداق آن نقشی اساسی دارد.

خداوند متعال در قالب برهان پایدار، بینش دستیابی و مصادیق حقیقی وصول به جاودانگی را با تعبیری که گویای این واقعیت است، بیان نموده^۲ و خلود در سرای اخروی را پاسخ این نیاز فطری بشر قرار داده است^۳ و به او می‌فهماند که مطلوب اصیل او و مصادیق حقیقی نیازش، چه چیز و در کجاست تا جهت‌یابی این میل به‌طور صحیح شکل گیرد. از این‌رو انسان را به دل‌بستگی به امور پایدار و آنچه نیازش را برآورد، فراخوانده و از فناپذیرها بر حذر داشته است.

بر اساس این گرایش، انسان به دنبال امور پایدار است، اما برخی انسان‌ها به‌اشتباه، امور ناپایدار و از جمله دنیا، این زیبای ناپایدار را پایدار تصور کرده، به آن دل‌بسته می‌شوند و با این دل‌بستگی، مجموعه‌ای از صفات ناپسند را در درون خود می‌گنجانند^۴ و از پرداختن به امور پایدار، غفلت ورزیده و در نتیجه بعد از زوال امور ناپایدار، دچار پیامدهای منفی ناشی از تعلق به آن‌ها می‌گردند؛ زیرا به چیزی دل‌بسته بودند که دیگر وجود ندارد و این جدایی از محبوب دروغین، آن‌ها را آزرده، افسرده و مضطرب می‌کند و به بیگانگی با یگانه جاودانه هستی می‌کشاند؛ درحالی‌که داشتن جهان‌بینی صحیح به فعالیت‌های فکری و عملی انسان جهت بخشیده، او را از دل‌بستگی‌های کاذب و وابستگی به جهان ماده می‌رهاند؛ و به او آرامش و انگیزه فعالیت سازنده و مثبت می‌دهد. بدین جهت دیگر دنبال شادی‌های ناپایدار نخواهد رفت؛ چون درمی‌یابد لذت اصیل و جاودان را در سرای پایدار به او می‌دهند، نه در دنیای فناپذیر؛ بنابراین دین اسلام در جهت تأمین جاودانگی انسان با بهره‌گیری از برهان پایدار و ناپایدار، میل فطری انسان به جاودانگی را در مسیر صحیح خود هدایت می‌کند؛ و موضع‌گیری و نگرش نادرست انسان به زندگی دنیا را که از عوامل هدایت ناپذیری و انحراف اوست، تصحیح می‌نماید.

۱. مصباح یزدی، محمد تقی؛ *انسان‌سازی در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰؛ ص ۲۳۴.

۲. قرآن کریم با تعبیر ﴿خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾، ﴿يَوْمَ الْخُلُودِ﴾ و صفت قرار دادن واژه ﴿أَبَقَى﴾ برای آخرت ﴿الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ علی ۱۷، نعیم ﴿مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ قصص ۶۰؛ شوری ۳۶؛ ﴿رِزْقٌ رَّزَّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ طه ۱۳۱ و عذاب آن ﴿لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾ طه ۱۲۷، به انسان می‌آموزد که جاودانگی او در سرای اخروی قابل تحقق است.

۳. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾ نساء ۵۷.

۴. رسول الله ﷺ: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ حَاطِيئَةٍ». منسوب به امام صادق جعفر بن محمد عليه السلام؛ پیشین؛ ص ۱۳۸.





نتیجه‌گیری

با توجه به مسئله مطرح‌شده، مبنی بر چرایی تأکید ویژه بر ترجیح آخرت بر دنیا و پاسخ‌های متفاوت ناظر به این مسئله، این نوشتار به یکی از اساسی‌ترین پاسخ‌ها؛ یعنی پایداری آخرت و ناپایداری دنیا با رویکرد جاودانه‌طلبی انسان پرداخت. تحلیل این موضوع به‌عنوان برهان پایدار و ناپایدار، جایگاهی ویژه در زندگی انسان و دستیابی او به سعادت دارد. بررسی نقش دین، به‌عنوان مجموعه‌معنی بخش زندگی و تبیین وجه استفاده از برهان مذکور، اهمیت این مسئله را روشن خواهد نمود.

نتایج به‌دست‌آمده این است که دین نقشی مهم و مستقیم در رابطه با برهان پایدار و ناپایدار دارد که در حوزه انسان، دنیا و آخرت و نوع برخورد انسان با این دو پدیده قابل طرح است؛ به این صورت که اولاً: اسلام بیانگر این است که یکی از گرایش‌های فطری انسان، میل به خلود و جاودانگی است، و از جمله واقعیت‌های زندگی این موجود جاودانه‌طلب این است که مقطعی از زندگی خود را ناگزیر باید در دنیایی ناپایدار بگذرانند. ممکن است انسان به جهت عدم شناخت صحیح دنیا و مانوس شدن به آن از جنبه فناپذیری اش غافل شده و آن را پایدار بیندارد و بدان دل‌بستگی پیدا کند و از توجه نمودن به سرای بقا غافل شود. این تعلق و دل‌بستگی به دنیا که ناشی از عدم شناخت آن است، منشأ آلودگی انسان و بسیاری از اضطراب‌ها و نگرانی‌هاست.

ثانیاً: از آنجاکه شکل‌گیری عملکردهای انسان، ارتباط تنگاتنگ و عمیقی با میزان و نوع شناخت او از جهان هستی دارد، بدین جهت یکی از رسالت‌های دین، مشخص نمودن امور پایدار و ناپایدار، بیان حقیقت آن‌ها، ترغیب نمودن انسان به امور پایدار و جدا نمودن از امور ناپایدار است. بر این اساس از جمله مفاهیمی که در متون دینی با تعابیری مختلف مورد تأکید ویژه قرار گرفته، بُعد زمانی و طول عمر دنیا و آخرت است. زندگی دنیوی از این جهت دارای محدودیت است و متناهی می‌باشد. در مقابل، آخرت، نامحدود، نامتناهی و جاودانه است. ناپایداری و زوال دنیا به زیبایی در این متون به تصویر کشیده شده است. دنیا، در حقیقت، برخوردار از چندروزه‌ای اندک و عرضی است که همچون سراب از میان می‌رود؛ چون ساعتی می‌گذرد و در ناپایداری بسان خانه عنکبوت است؛ زندگی اش کوتاه و لذت‌هایش ناپایدار است. پس انسان در جهانی زندگی می‌کند که همه‌چیز در آن جنبه موقتی دارد و در معرض زوال، تغییر و تحوّل است. دنیا موقتی و آخرت، ابدی است؛ دنیا سرای نیستی و آخرت، سرای ماندگاری، «دَارُ الْقَرَارِ»، «دَارُ الْخُلْدِ»، «دار المّقامه»، منزلی جاویدان است که کسی از آن بیرون نمی‌رود.

شناخت بُعد پایداری آخرت و زوال‌پذیری دنیا که از مهم‌ترین وجوه تمایز این دو سرا است، باعث

می‌شود که انسان از بینش محدودی که به شکل دنیاطلبی و دنیاپرستی تجلی پیدا می‌کند، خارج شود؛ در نتیجه از دل بستگی به دنیا رهایی یابد؛ زیرا او به لحاظ فطری، در جستجوی جاودانگی است و وقتی این شناخت، آگاهی و باور برای او حاصل شود که دنیا جای بقا نیست و سرای فنا می‌باشد و بقای او در سرای جاویدان میسر است، عملکرد و رابطه خود با دنیا را تصحیح خواهد نمود و جز به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به بهترین جایگاه در سرای بقا، به آن نخواهد نگریست و فریفته‌دنیایی که باعث رویگردانی از سرای پایداری است، نخواهد شد.

بنابراین سومین نقش دین در رابطه با برهان پایدار و ناپایدار، تبیین چگونگی مواجهه با سرای پایدار و ناپایدار است. خداوند متعال معمار انسان که آگاه به همه ابعاد وجودی اوست، با ارائه برهان پایدار و ناپایدار بینش دستیابی و مصادیق حقیقی وصول به زندگی جاوید را با تعابیری که گویای این واقعیت است، بیان نموده و خلود در سرای اخروی را پاسخ این نیاز فطری بشر قرار داده است. پیوسته او را از دل بستگی به سرای فانی بر حذر داشته، به سرای باقی ترغیب نموده و با زبان هادیان دین، چگونگی ارتباط صحیح با دنیای ناپایدار را به او آموزش داده و در این راستا مدل‌های رفتاری مهمی را جهت تنظیم مناسبات او با دنیا و آخرت مطرح نموده است. به این صورت که: فرصت دنیای ناپایدار را غنیمت شمرده و به طاعت خداوند سبحان بگذراند. دل به دنیا نسپارد و تقوا پیشه کند. با دیده‌ای عبرت بین به آن بنگرد و قانع باشد و بر سختی‌هایش بی‌تابی نکند. با بهره‌گیری از دنیا، در پی عمل کردن برای آخرت باشد و آنجا که این دو سرا در تقابل با هم قرار می‌گیرند، آخرت را بر دنیا ترجیح دهد.

وجه استفاده از برهان مذکور نیز به همان جاودانه طلبی انسان برمی‌گردد تا با بینش صحیح نسبت به دنیا، به ویژگی موقت و فانی بودن دنیا و مال و ثروت آن، بی‌ببرد و عمرش به دل بستگی‌های کاذب و زوال‌پذیر دنیا مشغول نشود. مصائب و ناگواری‌ها، ناامید و شکسته‌اش ننماید و خوشی‌ها نیز او را غافل از جایگاه ابدی‌اش نکند؛ چون درمی‌یابد دنیا با همه سختی‌ها و خوشی‌هایش فناپذیر است و هیچ‌یک از آسایش و سختی در دنیا ابدی نیست. لذا از بسیاری از سردرگمی‌های ناشی از دل بستگی به جهان ماده، خلاصی می‌یابد و در زندگی، آرامش و رضامندی خواهد داشت؛ زیرا درمی‌یابد دنیای ناپایدار، گنجایش و ظرفیت خواسته‌های متعالی او را ندارد و زندگی حقیقی و بقای او در جهان آخرت میسر است. برای انسان سرایی جذابیت و مطلوبیت دارد که پایدار و پایان‌ناپذیر بوده و نعمت‌های آن دارای بهترین کیفیت باشد؛ و دنیا از آن جهت که فاقد این دو ویژگی است، نه به او استمرار حیات و زندگی جاودانه و هستی مطلق می‌دهد و نه خوشی مطلق. از آنجا که او طالب زندگی پایدار و سرشار از لذت است، خداوند متعال





وی را برای دستیابی به این مطلوب و پیدا کردن این گمشده، راهنمایی نموده و به وی می‌آموزد که زندگی آخرت، «بهتر» و «پایدارتر» است:

﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾

بنابراین بر مبنای برهان پایدار و ناپایدار، مناسبات انسان با دنیا و آخرت تغییر می‌کند و به شکل صحیحی تنظیم می‌شود؛ در نتیجه گرایش او از دنیا به آخرت تغییر خواهد نمود؛ در زندگی آرامش و رضامندی خواهد داشت و میل فطری خود به بقا را در جهت صحیح هدایت می‌نماید؛ در نتیجه مسیر دستیابی به سعادت را به‌درستی می‌پیماید.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. آذرتاش، آذر نوش؛ فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران: نشر نی، چاپ هشتم، ۱۳۸۴ ش.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین؛ عوالی اللثالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق، ۴ ج.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی؛ التوحید (الصدوق)، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.
۵. _____؛ الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش، ۲ ج.
۶. _____؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق، ۲ ج.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
۸. ابن شهردار، شیرویه؛ الفردوس، قاهره: دارالریان للتراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۹. ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، مصر: مکتبه مصطفی البابی الحلبی و اولاده، ۱۳۸۹ ق، ۵ ج.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق، ۱۱ ج.
۱۱. بازرگان، مهدی؛ مباحث بنیادین، مبحث زوال و لغو اصل کهولت (آنژیوی)، چاپ دوم، تهران: قلم، ۱۳۸۸ ش.
۱۲. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان؛ البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: مهدی رجائی، قم: دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم: توحید در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. _____، تفسیر موضوعی قرآن کریم: سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. دیلمی، حسن بن محمد؛ إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق، ۲ ج.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۸. رضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه، تصحیح: الصبحی صالح، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰ ش.
۱۹. زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ ق، ۲۰ ج.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش، ۱۰ ج.
۲۲. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش، ۱۱ ج.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن؛ الأمالی (للطوسی)، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.





۲۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد؛ روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط- القديمة)، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ ش، ۲ ج.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق، ۴ ج.
۲۶. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن محمد؛ القاموس المحیط، بیروت: الرسالة، ۱۴۱۹ ق.
۲۷. قرشی، علی اکبر؛ قاموس قرآن، تهران، چاپ ششم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش، ۷ ج.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران: دارالحدیث، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ۱۵ ج.
۲۹. لیثی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ (الیثی)، تحقیق: حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۳۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط بیروت)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ۱۱۰ ج.
۳۱. محمدی ری شهری، محمد؛ دنیا و آخرت در قرآن و حدیث، ترجمه حمیدرضا شبخی، چاپ سوم، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۹ ش، ۲ ج.
۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی؛ اخلاق در قرآن، چاپ ششم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱ ش، ۳ ج.
۳۳. _____؛ انسان سازی در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ع)، ۱۳۹۰ ش.
۳۴. _____؛ آموزش عقاید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵.
۳۵. _____؛ آموزش فلسفه، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، بهار ۱۳۸۳ ش، ۲ ج.
۳۶. _____؛ به سوی او، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، ۱۳۹۰ ش.
۳۷. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش، ۱۱ ج.
۳۸. مطهری، مرتضی؛ مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، زندگی جاوید یا حیات اخروی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۹۱ ش.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، ۲۷ ج.
۴۰. منسوب به امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام؛ مصباح الشریعة، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۴۱. میبدی، حسین بن معین الدین؛ دیوان امیر المؤمنین علیه السلام، ترجمه: مصطفی زمانی، قم: دار نداء الإسلام للنشر، بی تا.
۴۲. مهیار، رضا؛ فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، بی جا، بی نا، بی تا.